

## همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی (مورد مطالعه: کتب فارسی)

حاکم قاسمی \*

E-mail: [Ghasemi20@yahoo.com](mailto:Ghasemi20@yahoo.com)

### چکیده

ایجاد روح جمعی، پیوند بین اعضای جامعه و دستیابی به همبستگی ملی یکی از اهداف نظام‌های آموزشی در هر جامعه‌ای است. برای دستیابی به این هدف، دوره‌های مختلف آموزشی طراحی شده است که هر یک متناسب با مختصات آموزش‌پذیران ایفای نقش می‌کنند. در این میان دوره آموزش ابتدایی با توجه به خصوصیات دانش‌آموزان این دوره، نقش زیربنایی دارد. از این رو در برنامه آموزشی دوره دبستان و در کتب درسی این دوره، تلاش گسترده‌ای صورت گرفته است تا با آموزش‌های مناسب به دانش‌آموزان، پایه‌های اولیه همبستگی ملی بنیان گذاشته شود. در برنامه آموزشی این دوره، با طرح موضوعات مختلف، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، سعی شده است تا فرایند شکل‌گیری همبستگی ملی تقویت شود. با این همه، با نگاهی آسیب‌شناسانه درمی‌یابیم که با وجود تلاش و تأکید فراوان برای ایجاد همبستگی ملی، همچنان ضعف‌هایی در برنامه‌ها وجود دارد که با رفع آن‌ها می‌توان بهتر و مؤثرتر در مسیر تحقق اهداف آموزشی و دستیابی به همبستگی ملی گام برداشت.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش ابتدایی، آموزش و پرورش، اتحاد و همبستگی

ملی، کتب درسی، دوره ابتدایی.

\* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).



## مقدمه

جامعه‌ای که وصف ملی را به همراه دارد و در مقام ملت شناخته می‌شود، اتحاد و همبستگی ملی عامل دوام آن به حساب می‌آید. از این روست که دولت - ملت‌ها همواره می‌کوشند به روش‌های مختلف و به‌کارگیری ابزارهای مناسب، اتحاد و همبستگی ملی خود را تقویت نمایند. تحکیم همبستگی ملی به عوامل مختلفی بستگی دارد که بخش مهمی از آن از طریق برنامه‌های آموزشی و تربیتی تحقق می‌یابد. آموزش و پرورش با افزایش سطح آگاهی‌های عمومی به همگونی و همسانی جوامع منجر می‌شود و نه فقط پیوند میان مردم را استوار می‌کند، بلکه به توسعه و تقویت حس اشتراک در زندگی اجتماعی کمک می‌نماید (گیرنا، ۱۳۷۸: ۱۱۴ و ۱۱۵)؛ چنان‌که گراف نوشته است بزرگ‌ترین وظیفهٔ مدرسه، تدریس میهن‌پرستی و رای محدودیت‌های به‌رسمیت شناخته شده از سوی افراد تحت تعلیمش بوده است. مدرسه، ابتدا عاملی برای تحقق جامعه‌پذیری بود. در مدرسه، پیام جامعه‌پذیری به همراه خواندن و نوشتن به مؤثرترین شکل خود رد و بدل می‌شود (گراف<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷: ۲۷۶).

بنابراین در هر کشوری، بخشی از برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف برای تقویت و تحکیم همبستگی ملی اختصاص یافته است. در این میان، آموزش و پرورش افراد در سطوح دبستانی اهمیت فراوان دارد. این دورهٔ آموزشی، کودکانی را شامل می‌شود که در سنین شش تا یازده قرار دارند. کودکان در این سنین ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از افراد دیگر متمایز می‌سازد. حافظهٔ نیرومند، علاقهٔ وافر به یادگیری، کنجکاوی جهت‌دار و هدفمند، الگوبرداری و تقلید از دیگران و تمایل زیاد به ارتباط با دیگر کودکان و همسالان، از جمله ویژگی‌های بارز کودکان در این دوران است (صافی، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۰). با توجه به این ویژگی‌ها، در دورهٔ ابتدایی میزان یادگیری و تأثیرپذیری کودکان بسیار زیاد است و آموزش و پرورش آن‌ها در این سن، روند جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن آنان را جهت می‌دهد. بنابراین در این دوره می‌توان سیر اجتماعی شدن افراد را به سمت شکل‌گیری روح جمعی و تقویت همبستگی ملی سوق داد.

جامعهٔ ایران ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. جامعه‌ای با تنوع فرهنگی است و از نظر جغرافیایی در موقعیتی قرار دارد که به اجبار تحت فشار جریان‌ها و نیروهایی بوده است که از چهارسو بر این جامعه وارد شده، نیروهایی بوده است که از چهارسو بر این

1. Graff

جامعه وارد شده، نیروهای گریز از مرکز را با هدف جدا شدن از ایران و پیوستن به دیگر واحدهای سیاسی یا تشکیلات واحدهای سیاسی جدید فعال و تقویت کرده‌اند (احمدی، ۱۳۷۸). از نظر تاریخی هم ایران در مقاطع مختلف با طرح‌هایی تجزیه‌طلبانه از سوی قدرت‌های بزرگ روبه‌رو بوده است. قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ دو نمونه بارز این تلاش‌هاست (ذوقی، ۱۳۶۸). با توجه به این واقعیت‌ها، همبستگی ملی برای ایرانیان نیازی تاریخی و ضرورت زندگی سیاسی به شمار می‌آید.

با توجه به این نیاز همیشگی ایران به اتحاد ملی، و با توجه به اهمیت و نقش نظام آموزشی برای تحقق و تحکیم آن، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود: آیا در برنامه‌های آموزشی دوره ابتدایی به این نیاز تاریخی توجه شده و تلاشی برای رفع آن صورت گرفته است؟ موضوع اتحاد و همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی از چه جایگاهی برخوردار است و برنامه‌ریزان آموزشی چه میزان به آن اهمیت داده و چگونه به آن پرداخته‌اند؟ آیا فقط در حد طرح مسئله و اختصاص دادن درسی به آن بسنده کرده‌اند یا آنکه اساساً رویکرد نظام آموزشی و هدف نهایی آن را تحقق همبستگی ملی قرار داده، کوشیده‌اند نتیجه نهایی دوره آموزشی، تحکیم همبستگی ملی باشد؟ اگر چنین است، در پیگیری این هدف چه متغیرها و مؤلفه‌هایی مبنای آموزش قرار گرفته است و قوت‌ها و ضعف‌ها در پرداختن به موضوع همبستگی ملی چیست؟

پاسخ به این پرسش‌ها از این نظر اهمیت دارد که اولاً برای برنامه‌ریزان آموزشی و تصمیم‌گیران جامعه در سطح کلان، آشکار می‌سازد که برنامه‌های آموزشی در سطح ابتدایی تا چه حد به نیاز اساسی و تاریخی جامعه ایران به همبستگی ملی پاسخ گفته و با آن منطبق است؛ دوم اینکه مشخص می‌کند در برنامه‌های دوره دبستان به کدام بخش از نیازها پرداخته، و به چه مسائلی در جهت تحکیم و تقویت اتحاد ملی توجه شده است؛ در عین حال چه مسائلی مغفول مانده یا به آن‌ها کمتر اعتنا شده است؟ سوم اینکه با نگاهی به چگونگی پرداختن به مبحث همبستگی ملی، نقاط قوت و ضعف برنامه آموزشی دوره ابتدایی در پی‌گیری آن هدف مشخص می‌شود. این امر به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا با آسیب‌شناسی برنامه آموزشی دوره ابتدایی و شناخت ضعف‌های آن، با تجدیدنظر در بخشی از برنامه‌ها، برای مؤثرتر شدن آنها با هدف رسیدن به اتحاد و همبستگی ملی اقدام نمایند.

طرح نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی مصوب سال ۱۳۶۷، در بیان اهداف



آموزشی و پرورشی دوره ابتدایی، اهداف متعددی را اعلام کرده است. در این طرح، علاقه‌مند کردن کودک به ارزش‌ها و آداب و رسوم اسلامی و میهنی و احترام به آن‌ها، ایجاد عادت به نظم و پرورش روح همکاری با دیگران، تقویت حس کنجکاوی در برابر محیط اجتماعی، آموزش مهارت‌های سودمند درباره زندگی و هنجارهای اجتماعی برای ایجاد نظم و مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران و همکاری و تعاون، از جمله این اهداف بیان شده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۷).

در این طرح، به طور صریح از همبستگی ملی سخن به میان نیامده است؛ اما مرور کتب درسی دوره ابتدایی حاکی از آن است که در برنامه آموزشی این دوره، تحقق و تحکیم همبستگی ملی در مقام هدف کلان آموزشی مورد توجه فراوان بوده است. با وجود این، در مطالب کتب درسی این دوره، نکاتی نیز به چشم می‌خورد که می‌توان از آن به عنوان آسیب‌های برنامه آموزشی دوره ابتدایی در جهت تحقق و تحکیم همبستگی ملی یاد کرد. شناخت این آسیب‌ها و یافتن راه حلی برای رفع آن‌ها، می‌تواند هر چه بهتر و بیشتر، برنامه آموزشی دوره ابتدایی را برای تحقق یکی از اهداف کلان آموزشی، یعنی ایجاد روح جمعی و همبستگی ملی، تقویت کند.

### روش تحقیق در بررسی کتب دوره ابتدایی

برای دستیابی به پاسخی برای پرسش‌های مزبور و آزمون فرضیه‌ها، روش تحلیل محتوا بهترین و مناسب‌ترین روش است. آنچه در اسناد بالادستی و مصوبات سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با برنامه‌های آموزشی آمده است و آنچه در اظهارات و مصاحبه‌های مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی منعکس می‌شود، می‌تواند اهداف آموزشی و میزان توجه به موضوعی را در این برنامه‌ها مشخص کند. مطالعه این همه - که از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و مصاحبه امکان‌پذیر است - فقط می‌تواند نمونه ایده‌آل و ذهنیت تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان آموزشی را معرفی نماید، نه عملکرد آن‌ها را. حال آنکه با تحلیل محتوای کتب درسی می‌توان به آنچه هست و در برنامه آموزشی به آن عمل می‌شود، پرداخت و از این طریق به فاصله بین نظر و عمل مسئولان و برنامه‌ریزان پی برد. هدف این مقاله آن است که نشان دهد در برنامه‌ریزی آموزشی دوره ابتدایی، تحقق روح جمعی و ایجاد همبستگی ملی در مقام هدف کلان آموزشی مطمح نظر قرار گرفته و در جهت رسیدن به آن اقدام شده است.

کتاب‌هایی که در این مقاله بررسی شده‌اند، کتب فارسی سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵

است. مقایسه این کتاب‌ها با کتاب‌های سال بعد از آن، نشان می‌دهد که تغییرات مختصری در صفحه‌آرایی کتاب‌ها صورت گرفته؛ اما مطالب و مفاهیمی که سعی شده است به دانش‌آموزان منتقل شود، تغییری نیافته است. بر اساس این، نتایج حاصل از بررسی کتاب‌های سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ به کتاب‌های دوره بعد نیز قابل تعمیم است و ضعف و قوت آن‌ها درباره چگونگی پرداختن به موضوع همبستگی ملی درباره کتاب‌های دوره بعد نیز صدق می‌کند.

### چارچوبی برای مطالعه همبستگی ملی

همبستگی ملی هم مبنایی برای ظهور یک ملت، و هم عاملی برای تداوم حیات آن محسوب می‌شود. درباره اینکه چگونه بین اعضای جامعه‌ای همبستگی به وجود می‌آید و موجب تبدیل آن به ملت می‌شود، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی ایراد شده است. برخی، ملت را پدیده عصر مدرن می‌شناسند و آن را ضرورت ناشی از تقاضاها و نیازهای سرمایه‌داری (گلنر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳) و پیامد صنعتی‌شدن (اندرسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱) می‌دانند. مارکسیست‌ها با چنین دیدگاهی، تشکیل ملت و ظهور ملی‌گرایی را تجلی منافع بورژوازی و نظام سرمایه‌داری دانسته‌اند (گیرنا، ۱۳۷۸: ۲۲). در مقابل، برخی ملت را پدیده‌ای قدیمی می‌شناسند و اصل آن را به عصر کهن مرتبط می‌سازند. آن‌ها معتقدند گرچه بعد از رنسانس پدیده ملت به شکل برجسته‌ای مطرح شد، ملت‌ها از گروه‌های انسانی کهنی نشئت گرفته‌اند که با نام‌های دیگری چون قوم یا قبیله شناخته می‌شدند. از این دیدگاه، ملت‌ها نتیجه تحولات تاریخی‌اند و منشأ خود را از گذشته‌های دور گرفته‌اند (کن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴). آن‌ها شکل مدرن‌شده اقوام کهن هستند که شیوه‌های همکاری متقابل را توسعه داده و تقویت کرده‌اند (اسمیت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸).

هرکدام از این دیدگاه‌ها متغیرها و عوامل متفاوتی را به عنوان عوامل تشکیل‌دهنده همبستگی ملی معرفی می‌کنند. بر اساس این، برای مطالعه چگونگی ایجاد همبستگی ملی و تولد یک ملت، دو مکتب فکری متفاوت ظهور کرده است: یکی از آن دو به مکتب آلمانی، و دیگری به مکتب فرانسوی شهرت دارد. در مکتب آلمانی، درباره عناصر مؤثر در شکل‌گیری ملت‌ها، بیش از هر چیز بر نژاد، قوم، زبان، و مذهب مشترک تأکید، و در این بین عنصر نژاد عامل اصلی معرفی شده است. «اساس این

1. Gellner  
2. Anderson

3. Kohn  
4. Smith



نظریه بر یکی بودن ملت و نژاد است و به دیگر زبان، نژاد بنیان ملت است.» (ابوالحمد، ۱۳۶۵: ۱۳۳) از این دیدگاه، اراده انسانی و عقل حسابگر بشر نقش مهمی در پیوند دادن افراد و به وجود آمدن ملت‌ها ندارد، بلکه زمانی که نژادی موجودیت یافت، ملت نیز متولد شده است. در مکتب فرانسوی، عناصری مانند نژاد، قومیت، زبان، و مذهب مشترک، اگرچه در پیوند دادن افراد به یکدیگر و ظهور ملت تأثیر دارند، برای تشکیل ملت وجود این عناصر به تنهایی کافی نیست. از این دیدگاه، آنچه باعث تبدیل شدن مجموعه انسانی به ملت می‌شود، خاطرات مشترک از گذشته، منافع مشترک در زمان حال و آمال و آرزوهای مشترک درباره آینده است. احساس داشتن گذشته مشترک، شریک بودن در غم‌ها و شادی‌ها، محاسبه منافع مشترک ناشی از زندگی در کنار هم و پایبندی به نظام‌های ارزشی و آرمان‌های نسبتاً یکسان باعث می‌شود تا افراد از هر قوم و نژادی با یکدیگر پیوند بخورند و زیست جمعی در کنار هم را بپذیرند.

به نظر می‌رسد برای بررسی همبستگی ملی در ایران، مکتب فرانسوی مناسب‌تر باشد. با این همه، محدود شدن به این دیدگاه ما را از در نظر داشتن برخی عناصر مؤثر در همبستگی ملی در ایران باز می‌دارد. بر اساس این، باید مجموعه‌ای از عوامل و عناصر را، بدون محدود شدن در دیدگاهی خاص، معیار سنجش همبستگی ملی قلمداد کرد. بدین ترتیب می‌توان از محدودیت‌هایی که انتخاب یک دیدگاه ایجاد می‌کند، خارج شد، عوامل قابل تطبیق با ملت مورد مطالعه را برگزید و به ارزیابی وضعیت همبستگی ملی پرداخت. با این منطوق، عناصری چون زبان مشترک، نژاد مشترک، قومیت مشترک، فرهنگ واحد، آداب و رسوم مشترک، تاریخ و گذشته مشترک، ارزش‌های مشترک، دلبستگی به سرزمین واحد، برداشت‌های ذهنی و خاطرات مشترک، افتخارات مشترک، منافع و مصالح مشترک، آرمان‌ها و آرزوهای مشترک، همه عواملی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان به تجزیه و تحلیل همبستگی ملی در جامعه‌ای پرداخت. با توجه به این عناصر متفاوت و متنوعی که ممکن است هرکدام از آن‌ها به نوعی در شکل دادن به همبستگی ملی در جامعه مؤثر باشند، برای تحقق یا تحکیم همبستگی ملی باید با استفاده از رفتارها، گفتارها، رویدادها، و به‌کارگیری هر علامت و نشانه‌ای که می‌تواند به تقویت و استوار ساختن این عوامل منجر شود، سود جست. از این طریق می‌توانیم عوامل پیونددهنده ملتی را تقویت کنیم، به همگرایی و همبستگی ملی دست یابیم و از واگرایی و تضعیف همبستگی ملی خودداری کنیم.

یکی از راه‌های تقویت عوامل هم‌بسته‌ساز و مؤثر در همبستگی ملی، استفاده از

امکانات و ابزارهای آموزشی در چارچوب نظام آموزش و پرورش است. آموزش را فرایندی تعریف کرده‌اند که عادت‌های متداول و مشترک اجتماعی را در افراد، درونی و نهادینه می‌کند (ریترز، ۱۳۷۳: ۳۲۹). به نوشته دورکیم آموزش و پرورش وظیفه سازگار نمودن افراد را با محیط اجتماعی و جامعه بر عهده دارد و مجموعه‌ای از عقاید واحد و احساسات مشترک را در میان افراد جامعه شکل می‌دهد که بدون آن‌ها هیچ جامعه‌ای پایدار نخواهد ماند (دورکیم، ۱۹۵۶). نهادهای آموزشی، کارکرد یکسان‌سازی الگوهای رفتاری و همبسته‌سازی افراد و اجزای جامعه را بر عهده دارند؛ از این رو نقش بنیادی در جامعه‌پذیری افراد آن‌ها ایفا می‌کنند. کارکرد نهادهای آموزشی، برای تأمین تقاضاها و نیازهای نظام اجتماعی است. هر نظام اجتماعی به انسجام درونی، انطباق با محیط و تأمین اهداف و بقای خود نیازمند است. نهادهای اجتماعی هر یک با توجه به کارکردی که دارند، این نیازها را تأمین می‌کنند (پارسونز، و شیلز، ۱۹۵۱). با توجه به نقش و کارکرد نهادهای آموزشی برای تأمین نیازهای نظام اجتماعی، تمامی افراد در جامعه بعد از ورود به نهادهای آموزشی، براساس معیارهای واحدی آموزش می‌بینند؛ از این رو پس از خروج افراد از این نهادها و پشت سر نهادن مراحل مختلف آموزش، دیدگاه‌ها، رفتارها و شیوه عمل اجتماعی افراد تا حد زیادی همانند یکدیگر می‌شود. آن‌ها بر اساس اصول، معیارها و روش‌های یکسانی عمل می‌کنند، به ارزش‌های مشترکی مقید می‌شوند و به آینده و آرمان مشترکی می‌اندیشند. تحقق چنین امری در روند جامعه‌پذیری افراد به انطباق با شرایط محیطی و انسجام درونی جامعه می‌انجامد و با ایجاد روح جمعی و همبستگی اجتماعی به همبستگی ملی منجر می‌شود (گلشن فومنی، ۱۳۸۲: ۶۷).

ایجاد روح جمعی و همبستگی اجتماعی در میان افراد جامعه یکی از نتایج روند اجتماعی شدن افراد است. اگر این روند به گونه‌ای سپری شود که در آن، همبستگی اجتماعی در چارچوب واحد ملی معنا شود و سعی بر این باشد که روح جمعی و همبستگی در میان افراد ملت تحقق پیدا کند، در این صورت اتحاد ملی ظهور می‌یابد. در چارچوب واحد ملی، وقتی روند جامعه‌پذیری افراد طی می‌شود، به تدریج احساسات، علائق و وفاداری‌ها در سطوح خرد فردی، خانوادگی، قومی، قبیله‌ای و محلی با احساسات، علائق و وفاداری‌های مرتبط با واحد ملی پیوند می‌یابد. از این رو، افراد جامعه ضمن آنکه خود را فردی از اعضای خانواده، قوم، قبیله و وابسته به محلی خاص می‌شناسند، در عین حال خود را متعلق به واحدی بزرگ‌تر به نام ملت احساس

1. Durkheim

2. Parsons &amp; Shils



می‌کند. این احساس و وابستگی روانی به ملتی معین، بیشترین درجه وفاداری است (رنی، ۱۳۷۴: ۳۰)؛ از این روست که روح جمعی ملی شکل می‌گیرد و علائق و وفاداری‌های ملی به وجود می‌آید که در نهایت به همبستگی ملی منجر می‌شود. برای بررسی همبستگی ملی در کتب درسی، با در نظر گرفتن عوامل مؤثر در شکل‌گیری همبستگی ملی، می‌کوشیم تا مشخص کنیم که از این عوامل چگونه استفاده شده است تا علائق، احساسات و وفاداری‌های ملی از طریق آن‌ها تقویت شود.

### مباحث ملی - میهنی در دروس دوره ابتدایی

مطالعه کتب فارسی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که در این دوره به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم برای ایجاد روح جمعی و همبستگی ملی تلاش شده است. از یک سو در کتب دوم تا پنجم ابتدایی فصلی مستقل با عنوان «ملی - میهنی» درج شده که مباحث آن‌ها به طور مستقیم به اتحاد و همبستگی ملی اختصاص دارد. در کتاب فارسی پایه اول، فصلی با این نام وجود ندارد؛ اما دروس متعددی با محتوای مباحث ملی - میهنی مشاهده می‌شود. با ارزیابی مجموعه دروس دوره ابتدایی و مشخص کردن جایگاه درس‌ها با موضوعات ملی - میهنی در بین مجموعه دروس، تا حدی می‌توان به میزان توجه مستقیم به مباحث ملی - میهنی پی برد. در کتب فارسی پنج پایه دوره ابتدایی از مجموعه ۷۶۲ صفحه، ۸۱ صفحه (۱۰/۶۲ درصد)، و از مجموعه ۲۰۵ درس، ۲۸ عنوان (۱۳/۶۵ درصد) به مباحث ملی - میهنی اختصاص یافته است. در این فصول، دروسی گنجانده شده که به صورت مستقیم درصدد تقویت احساسات ملی‌گرایانه و ترویج روح جمعی و همبستگی ملی است؛ البته در پایه‌های مختلف میزان توجه مستقیم به موضوع ملی - میهنی یکسان نیست. در پایه اول با هشت عنوان درس و در پایه‌های دوم و چهارم هر کدام با شش درس، در مقایسه با پایه‌های سوم و پنجم (هر کدام با چهار درس) توجه بیشتری به طرح مستقیم مباحث ملی - میهنی نشان داده شده است.

### میزان توجه به همبستگی ملی در دوره ابتدایی

در کتب فارسی دوره ابتدایی، مباحث میهنی فقط در فصل ملی - میهنی بیان نشده است، بلکه بسیاری از فصول کتاب‌های فارسی این دوره اگر چه عنوان ملی - میهنی ندارند، محتوای آن‌ها تقویت‌کننده روح جمعی و همبستگی ملی است. بنابراین اگر میزان توجه برنامه‌ریزان برنامه آموزشی و تهیه‌کنندگان کتب درسی دوره ابتدایی به



تقویت همبستگی ملی ارزیابی شود، نباید فقط به دروس ارائه شده در فصل عنوان ملی - میهنی اعتنا کرد، بلکه باید به دیگر دروس که مستقیم و غیرمستقیم به تقویت روح جمعی و همبستگی ملی کمک می‌کنند نیز توجه نمود.

جمع‌بندی مطالب، حاکی از آن است که حدود سی درصد از دروس کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی عنوان ملی - میهنی ندارند؛ اما مستقیم یا غیرمستقیم با مباحث ملی - میهنی ارتباط دارند. این میزان از مباحث غیر از علائم و تصاویری است که در درس‌های متعدد به کار رفته‌اند؛ مانند تصویر امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، در ابتدای کتاب‌های همه پایه‌های ابتدایی یا تصویر سفره هفت‌سین در برخی از دروس. برخی از این تصاویر در درس‌هایی به کار رفته‌اند که موضوع آن‌ها همسانی چندانی با مباحث ملی - میهنی و همبستگی ملی ندارند؛ اما کاملاً هدفمند در جهت انتقال مفاهیمی است که به ایجاد همبستگی در جامعه کمک می‌نماید.

لازم است ذکر شود که اگر دروسی را که در آن‌ها از تصاویری استفاده شده که هر کدام به نوعی تقویت‌کننده روح جمعی و همبستگی ملی است، به درس‌هایی که موضوع آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم همبستگی ملی می‌باشد اضافه کنیم، توجه به همبستگی ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی حتی بیش از میزانی است که ادعا شده است.

#### اعتقادات دینی و همبستگی ملی در دروس دوره ابتدایی

همبستگی ملی در کتب دوره ابتدایی اغلب با تأکید بر متغیرها، عوامل اجتماعی و طبق تعریف برنامه‌ریزان آموزشی دوره ابتدایی با صبغه ملی - میهنی بود. اما سؤال این است که آیا فقط این متغیرها هستند که همبستگی ملی را شکل می‌دهند؟ آیا ارزش‌ها و اعتقادات دینی که در این کتب نیز به وفور مورد توجه قرار گرفته‌اند عاملی برای همبستگی ملی نیستند؟ پاسخ این پرسش مثبت است. همواره دین و اعتقادات مذهبی مشترک یکی از عوامل یکپارچگی در جوامع شناخته شده است. هویت ملی که شکل‌دهنده شخصیت جمعی ملت است، در هر جامعه و ملتی عامل اصلی شکل‌گیری وحدت ملی به حساب می‌آید. بر اساس این، هر متغیری که در شکل‌گیری هویت ملی و شخصیت جمعی ملتی سهیم است، عاملی مؤثر در ظهور و تحکیم همبستگی ملی تلقی می‌شود. ارزش‌ها و اعتقادات دینی نقشی مهم در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی افراد دارند، از عوامل قطعی خلق هویت هستند و در شکل‌گیری هویت ملی تأثیر عمیقی به جا می‌گذارند (گیبیرنا، ۱۳۷۸: ۱۳۲).



هویت ملی در ایران به شدت متأثر از عوامل دینی و اعتقادی است. این عنصر به همان مقدار عناصر ملی و میهنی در شکل‌گیری هویت ایرانی دخالت دارند. از این رو، دو عنصر دین و ملیت یا ایرانیت و اسلامیت بخش بسیار مهمی از هویت ایرانی را تشکیل داده‌اند (احمدی، ۱۳۸۳: ۹۶). نادیده گرفتن عوامل و عناصر دینی و مذهبی، نادیده گرفتن بخش مهم و بزرگی از واقعیت است.

ارزش‌ها و اعتقادات دینی و مقید بودن به اجرای احکام دین از سوی افراد جامعه، باعث می‌شود تا افراد هویت مشترکی پیدا کنند و در نتیجه اخلاق و رفتار یکسان فردی و اجتماعی از آن‌ها بروز کند. این امر با یکسان‌سازی هنجارهای اجتماعی به یکپارچگی اجتماعی منجر می‌شود. از سوی دیگر افراد جامعه بر حسب اعتقادات دینی ضمن آنکه به ترویج ارزش‌ها و اخلاقیات واحد در جامعه کمک می‌کنند - با توجه به آرمان واحدی که طبق اعتقادات مشترک دینی برای آینده جامعه ترسیم می‌کنند - به وحدت نظر درباره آینده و همکاری برای تحقق آن نیز دست می‌یابند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا پایبندی به اصول و احکام دینی، مردم جامعه را به یکدیگر مرتبط و همبسته سازد و در نتیجه به همبستگی ملی منجر شود.

با این نگرش، جایگاه توجه به موضوع همبستگی ملی در آن‌ها بسیار مهم‌تر و گسترده‌تر از چیزی است که در صفحات قبل به آن اشاره شده است. همان‌طور که در ذیل می‌آید، حدود ۳۱ درصد از صفحات و ۲۸ درصد عناوین درسی کتب فارسی دوره ابتدایی به مباحث ملی - میهنی و همبستگی ملی اختصاص دارد. با احتساب مباحث اعتقادی و دینی، این میزان به حدود ۴۸ درصد در صفحات و ۵۲ درصد در عناوین درسی می‌رسد.

با توجه به مجموعه دروسی که محتوای آن‌ها در جهت تقویت روح جمعی و همبستگی ملی است، این نتیجه به دست می‌آید که در کتب فارسی دوره مزبور دستیابی به روح جمعی و همبستگی ملی در مقام هدف کلان و محوری آموزش مطمح نظر قرار گرفته است. برای رسیدن به این هدف نیز دروس این دوره با تأکید بر موارد زیر طراحی و تنظیم شده است:

۱. ایجاد احساس وابستگی به جامعه (ملت) در فرد؛
۲. ایجاد ارتباط و پیوند بین فرد و سرزمین (وطن)؛
۳. ایجاد حس وطن‌دوستی؛
۴. تأکید بر رویدادهای بزرگ تاریخی و حماسه‌های ملی؛



۵. تأکید بر نشانه‌ها و نمادهای ملی؛
۶. تأکید بر سنن و آداب و رسوم ملی؛
۷. معرفی مفاخر و شخصیت‌های بزرگ ملی؛
۸. تأکید بر اهداف ملی و آینده مشترک؛
۹. توجه دادن دانش‌آموزان به اهمیت همبستگی ملی و نتایج مثبت آن؛
۱۰. تأکید بر اعتقادات دینی و ترویج ارزش‌های برگرفته از دین.

### ایجاد احساس وابستگی به جامعه و ملت در فرد

جامعه مجموعه‌ای از افراد است که احساس تعلق و پیوستگی پایداری با یکدیگر دارند. جامعه پس از شکل‌گیری، وقتی در سرزمینی مستقر شد و برای اداره خود نهادهای رسمی حکومتی تأسیس کرد، منجر به ظهور ملت می‌شود. جامعه اگر چه از افراد تشکیل شده است، شخصیتی مستقل از افراد تشکیل‌دهنده خود دارد. بنابراین بین فرد و جامعه رابطه‌ای متقابل وجود دارد. فرد با پیوند داشتن با افراد دیگر موجب ایجاد جامعه می‌شود و جامعه با جذب افراد باعث شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی در فرد می‌گردد. هرچه پیوند بین افراد مستحکم‌تر و احساس تعلق بین آن‌ها شدیدتر باشد، انسجام جامعه بیشتر می‌گردد. با وجود این انسجام و همبستگی، هویت اجتماعی افراد نیز محکم‌تر و احساس تعلق به این شخصیت و هویت اجتماعی شدیدتر می‌شود. این کنش و واکنش، به تداوم حیات جامعه کمک می‌کند. اما اگر پیوند بین افراد جامعه و احساس تعلق آن‌ها به یکدیگر تضعیف شود، همبستگی اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. یکی از وظایف نظام‌های آموزشی، تحکیم همبستگی اجتماعی است تا بین دانش‌آموزان (به عنوان فرد) و جامعه و ملت ایران پیوند برقرار شود و در روند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان احساس وابسته بودن به جامعه و ملت ایران ایجاد گردد. مفهوم «ایرانی»، یعنی وابسته بودن به جامعه و ملت ایران، اولین بار در درس ایران صفحه ۴۸ فارسی پایه اول ابتدایی به کار رفته است. پس از آنکه دانش‌آموز با نهادهایی چون خانواده، مدرسه و مسجد آشنایی پیدا کرد، تلاش می‌شود تا با مفهوم جامعه و ملت نیز آشنا شود. در این تلاش، برای اولین بار مفهوم ایرانی به معنای ایرانی بودن و تعلق داشتن به جامعه و ملت ایران آموخته می‌شود. پس از آن در درس‌های مختلف سعی می‌شود وابستگی به جامعه و تعلق داشتن به ایران به دانش‌آموز یادآوری گردد؛ از جمله مواردی که بر این مفاهیم تأکید دارند عبارت‌اند از:



۱. ما مردم، کشور خود را دوست داریم... مردم کشور ما هر جا زندگی کنند ایرانی هستند (فارسی پایه اول، ۴۸).
  ۲. درس «دوستان ما» در فارسی پایه دوم صفحه ۵۴، با این مضمون که هرکس در جامعه شغلی دارد که متفاوت با دیگری است؛ اما همه آنها دوستان ما هستند.
  ۳. نام کشور ما ایران است. ما در ایران زندگی می‌کنیم. ... مردان و زنان ایرانی پرتلاش و باایمان هستند (فارسی پایه دوم، ۸۹).
  ۴. مثل هر ایرانی دیگر از تماشای پرچم لذت می‌برم (فارسی پایه دوم، ۹۷).
  ۵. ... روز اول فروردین نخستین روز سال نو در کشور ماست. ... هزاران سال است که ما ایرانیان نوروز را جشن می‌گیریم. چه خوب است همه ما نوروز را با خوشحال کردن دیگران شروع کنیم (فارسی پایه دوم، ۱۰۵-۱۰۳).
  ۶. ... اگر دیگران نبودند چه می‌شد ... نمی‌گویم که آدم نباید خودش را ببیند، بلکه می‌گویم اتفاقاً آدم باید خودش را ببیند؛ ولی خود را با دیگران ببیند و با دیگران بخواند (فارسی پایه چهارم، ۵۲).
- این گزاره‌ها به دانش‌آموزان می‌فهماند به جامعه و ملت ایران تعلق دارند و به آن وابسته‌اند. با آموزش این مفاهیم، سعی شده است تا احساس وابسته بودن به جامعه و ملت در دانش‌آموزان ایجاد، و در آنها درونی شود.

### ایجاد پیوند بین فرد و سرزمین (وطن)

علقه بین فرد و سرزمین، از جمله عواملی است که به ایجاد همبستگی ملی منجر می‌شود. سرزمین یکی از عناصر شکل‌دهنده دولت - ملت به حساب می‌آید. با عنصر سرزمین است که وجود ملتی دارای استقلال و حاکمیت ملی، عینیت می‌یابد. از این روست که عنصر سرزمین همچون عنصر مردم و ملت، عنصر اصلی شناخته می‌شود. با استقرار ملت در یک سرزمین، آن‌چنان پیوند عمیق بین عنصر جغرافیایی سرزمین با عنصر انسانی ملت برقرار می‌شود که اساساً تصور ملت و هویت ملی بدون وجود سرزمین مقدور نیست. سرزمین عنصر پیونددهنده همه افرادی است که در آن زندگی می‌کنند و آن را وطن خود می‌شناسند؛ زیرا فضا و مکانی است که هویت، گذشته، حال و آینده ساکنان آن در آنجا عینیت می‌یابد؛ از این رو همچون محوری مشترک همه افراد جامعه را حول خود گرد می‌آورد. با توجه به چنین کارکردی، سرزمین و ایجاد علقه بین فرد با سرزمین، یکی از عوامل همبسته‌سازی افراد و جامعه با یکدیگر است. ایجاد



ارتباط بین فرد با سرزمین، آن فرد را با کل افراد جامعه مرتبط می‌کند و منجر به همگرایی و همبستگی ملی می‌شود.

در کتب فارسی دوره ابتدایی در درس‌های مختلف تلاش شده است تا پیوند بین فرد با سرزمین مادری ایجاد و تقویت شود. برای این منظور، به دو طریق عمل شده است: از یک سو با معرفی ایران و زیبایی‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی آن؛ و از سوی دیگر، با تأکید بر تعلق افراد به سرزمین و تعلق سرزمین به افراد سعی شده است تا پیوند بین فرد و سرزمین به تصویر کشیده شود. هدف از این تلاش آن است که دانش‌آموزان بیاموزند بین آن‌ها با ایران پیوندی ناگسستنی وجود دارد. در گزاره‌های زیر بدین موضوع اشاره شده است:

۱. زیبا زیبا زیبایی ای ایران - میهن خوب مایی ای ایران (پایه اول، درس ای ایران، ۵۱).
۲. کشور ما ایران است (پایه اول، درس میهن ما، ۱۱۸).
۳. نام کشور ما ایران است. ما در ایران زندگی می‌کنیم (پایه دوم، درس ایران ما، ۸۹).
۴. سرزمین ما ایران لاله‌زار بود آن روز (پایه دوم، درس روز خوب پیروزی، ۹۶).
۵. ای ایران، ای خانه پرشکوه من ... ای ایران ای وطن من ... (پایه سوم، درس ای ایران ای وطن من، ۱۰۴-۱۰۲).
۶. ... در کنار خانه‌ام می‌نویسم ای وطن... خانه عزیز من (پایه سوم، درس خانه عزیز من، ۱۱۱).
۷. ... ایران عزیز ما دانشمندان، هنرمندان، شاعران، نویسندگان و انسان‌های نام‌آور و بزرگی را در دامان خویش پرورده است ... البته ایران ثروتی بزرگ‌تر و سرمایه‌ای ارزشمندتر از همه این‌ها هم دارد ... آن ثروت و سرمایه گرانبها مردم بیدار و هوشیار ایران و شما دانش‌آموزان کوشا هستید (پایه چهارم، درس ثروت‌های ملی ایران، ۱۲۴).
۸. چو ایران نباشد تن من مباد (پایه چهارم، درس ایران، ۱۲۹؛ پایه پنجم، درس آریوبرزن، ۱۲۱).

### ایجاد و تقویت حس وطن دوستی

تلاش برای ایجاد حس وطن دوستی، مکمل کوششی است که برای ایجاد پیوند بین فرد و سرزمین صورت می‌گیرد. البته گاهی ممکن است احساس تعلق و حس وطن دوستی به گونه‌ای که فرد را آماده‌ی ایثار و فداکاری برای سرزمین کند، ایجاد نشود. آنچه بین فرد و سرزمین مادری (وطن) را با رابطه بین فرد با سرزمینی دیگر متمایز می‌سازد، دوست داشتن سرزمین مادری، حس وطن دوستی و آمادگی برای فداکاری در راه آن است. وجود این حس مشترک بین همه افراد ملت، یکی از عناصر ایجاد و تقویت



همبستگی ملی است. از این روست که در برنامه‌های آموزشی تمامی کشورها، بخشی از برنامه‌های مذکور بر روی زنده نگهداشتن حس وطن‌دوستی، تقویت آن و ایجاد آمادگی برای فداکاری در راه وطن متمرکز است. در درس‌های مختلف کتب دوره ابتدایی کشور ما نیز، در درس‌های مختلف کتب دوره ابتدایی کشور ما نیز، به خصوص در فصول ملی - میهنی تلاش شده است تا این احساس در بین دانش‌آموزان ایجاد و تقویت شود. نتیجه به وجود آوردن این حس مشترک در بین دانش‌آموزان، تقویت همبستگی ملی است. گزاره‌هایی که در صدد ایجاد و تقویت حس وطن‌دوستی است، عبارت‌انداز:

۱. ایران ایران پاینده با سرباز رزمنده (پایه اول، درس سرباز، ۴۹).
۲. ... من یک دنیا خاک را دارم دوست، خاک خوب و پاکت را دارم دوست (پایه اول، درس ای ایران، ۵۱).
۳. ... ما میهن خود را دوست داریم ... ما ایران و ایرانی را دوست داریم (پایه اول، درس میهن ما، ۱۱۸).
۴. ... ما ایران را دوست داریم ... مردان و زنان ایرانی پرتلاش و باایمان هستند (فارسی پایه دوم، ۸۹).
۵. ... پرچم زیبای ایران در حیاط مدرسه همراه با نسیم تکان می‌خورد. احساس کردم آن را بیشتر از گذشته دوست دارم (فارسی پایه دوم، ۹۸).
۶. ... در کشور بزرگ ایران نیز مردان و زنان، حتی کودکان فداکار فراوان‌اند. زندگی این انسان‌ها سرمشق و چراغ راه ماست ... (فارسی پایه سوم، ۵۰-۴۸).
۷. ای ایران، ای خاک پرشکوه من، تو را دوست دارم ... تو را دوست دارم با همه زیبایی‌هایت ... دوست دارم با گنبد طلایی امام هشتم (ع) ... (فارسی پایه سوم، ۱۰۴-۱۰۲).
۸. خانه عزیز من جان من فدای تو (فارسی پایه سوم، ۱۱۱).
۹. اگر سربیه سرتن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم  
دریغ است ایران که ویران شود  
کنام پلنگان و شیران شود  
(فارسی پایه چهارم، ۱۲۹)
۱۰. ... ما آبادانی و پایداری و عظمت ایران را مرهون کوشش و فداکاری این مردان و زنان می‌دانیم ... (فارسی پایه پنجم، ۵۴ و ۵۵).
۱۱. ایران ما هزاران هزار سرباز و سردار چون آریوبرزن به خود دیده است. مردان و زنانی که دلاورانه جنگیده‌اند ... (فارسی پایه پنجم، ۱۲۴).

### تأکید بر رویدادهای بزرگ تاریخی و حماسه‌های ملی

یکی از عوامل پیونددهنده اعضای ملت به یکدیگر، تاریخ و سرگذشت مشترک است. تاریخ یک ملت منعکس‌کننده دردها و رنج‌ها، شادی‌ها و کامیابی‌ها و شکست و ناکامی‌های مردمی است که با یکدیگر زندگی کرده‌اند و از این رو تجربیات مشترک، و در نتیجه احساسات مشترکی دارند. این تجربیات و تاریخ مشترک، هویت واحدی را برای آن‌ها شکل، و آن‌ها را به یکدیگر پیوند داده است. این ارتباط بین تک تک افراد یک ملت با تاریخ مشترک، زمینه ظهور و تحقق همبستگی ملی را فراهم می‌آورد.

در برنامه‌های آموزشی با توجه به نقش تاریخ در همبسته‌سازی افراد یک جامعه، بخشی از دروس به طور خاص به آموزش تاریخ می‌پردازند و در برخی از دروس نیز اگر چه آموزش تاریخ مورد نظر نیست، بخشی از مقاطع مهم رویدادهای بزرگ تاریخی و حماسه‌های ملی، در برنامه آموزشی قرار می‌گیرند. در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی با ارائه درس تاریخ و مدنی بخشی از تاریخ ایران و نیز اصول و قوانین زندگی جمعی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. با این همه، در کتب فارسی همه پایه‌های دوره ابتدایی، مرور مختصری بر رویدادهای بزرگ تاریخی و حماسه‌های ملی صورت می‌گیرد تا پیوند بین دانش‌آموزان با تاریخ گذشته کشور، به ویژه مقاطع مهم و سرنوشت‌ساز آن برقرار شود. با ایجاد این ارتباط، هم حماسه‌های ملی به دانش‌آموزان گوشزد می‌شود و هم آنکه داشتن گذشته مشترک در مقام یکی از حلقه‌های پیوند همه اعضای جامعه به دانش‌آموزان یادآوری می‌شود تا آن‌ها خود را وابسته به یکدیگر و دارای سرنوشت مشترک بدانند. نتیجه این آموزش پیوند دادن همه افراد جامعه به تاریخی است که همچون حلقه وصلی آن‌ها را به هم پیوند، و در نتیجه همبستگی ملی را شکل می‌دهد. از جمله رویدادهای بزرگ تاریخی و حماسه‌های ملی که در کتب فارسی دوره ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است عبارت‌اند از:

۱. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) (پایه اول، ۱۰۰ و ۱۰۱).
۲. شعری در توصیف پیروزی انقلاب اسلامی (پایه اول، ۱۰۳؛ پایه دوم، ۶۹).
۳. جنگ ایران و توران و فداکاری آرش کمانگیر برای تعیین مرزهای ایران (پایه چهارم، ۱۱۸).
۴. داستان حمله اسکندر مقدونی به ایران و رشادت‌های لشکر ایران با فرماندهی آریوبرزن (پایه پنجم، ۱۲۱).



### تأکید بر نشانه‌ها و نمادهای ملی

افراد بشر و نیز جوامع در طول تاریخ و در زندگی اجتماعی خود همواره از نشانه‌ها و علامت‌ها برای انتقال پیام و مفاهیم سود جستند؛ مثل پرچم سفید که نشانه تسلیم در جنگ یا صلح و دوستی یا پرچم سیاه نشانه شکست و عزا بوده است. نمادها باعث می‌شود مفاهیم بسیار زیادی در زمانی محدود و با سهولت منتقل شود. در موارد بسیاری، ملت‌ها برای نشان دادن آرزوها و جهت‌گیری‌ها یا به تصویر کشیدن ویژگی‌های خود به استفاده از علامت‌ها متوسل شده‌اند. تکرار در کاربرد برخی علائم و نشانه‌ها به تدریج باعث تبدیل این‌ها به نمادهای ملی شده است.

بنابراین در برنامه‌های آموزشی دوره دبستان که سخن گفتن با زبان علائم و نشانه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، استفاده از نمادهای ملی برای ایجاد روح جمعی و همبستگی ملی به دو صورت استفاده شده است: در برخی موارد بدون شرح و توضیح، و در بعضی موارد با شرح و تفسیر.

### تأکید بر سنن و آداب و رسوم ملی

یکی از متغیرهای مؤثر در ایجاد همبستگی در جامعه، سنت‌ها و آداب و رسوم رایج در آن است؛ زیرا چنین سنت‌هایی باعث یکسانی رفتارهای اجتماعی در جامعه می‌شود. از سوی دیگر علاقه به سنت‌ها و آداب و رسوم، تک تک افراد را به یک محور پیوند می‌زند. افراد دارای سنت‌ها و آداب و رسوم مشترک ممکن است در دو نقطه دور از هم زندگی کنند؛ اما علائق و دلبستگی‌های همان آن‌ها باعث می‌شود تا هم رفتارهای یکسانی از آنان بروز کند و هم اینکه به دلیل سنت‌ها و آداب و رسوم واحد به یکدیگر علاقه‌مند شوند. این امر به صورت رشته‌های نامرئی، مردم جامعه را با یکدیگر همبسته می‌سازد.

برنامه درسی دوره ابتدایی، تلاش شده است تا با معرفی، توضیح و آموزش سنت‌ها و آداب و رسوم ملی به دانش‌آموزان هم دلبستگی‌های آن‌ها را به این سنت‌ها و آداب و رسوم افزایش دهند و هم آنکه به وسیله این سنت‌ها زمینه‌های شکل‌گیری همبستگی ملی را در ذهن و احساس دانش‌آموزان به وجود آورند. درس‌هایی را که در آن‌ها به سنت‌ها و آداب و رسوم جاری در میان ملت ایران توجه شده است، می‌توان در جدول شماره یک خلاصه کرد.





## جدول شماره ۱: تصویر آداب و رسوم ملی در فارسی ابتدایی

پایه	عنوان درس	صفحه	توضیح
اول	عید شما مبارک	۲۸	تصویر نشستن اعضای خانواده بر سر سفره هفت‌سین و معرفی هفت‌سین این سفره.
اول	ایران	۴۸	تصویر پوشش و لباس‌های محلی مردم ایران.
اول	چهار فصل	۱۱۶	توضیح درباره چهار فصل سال در ایران.
اول	میهن ما	۱۱۸	تصویر پوشش و لباس‌های محلی مردم ایران.
دوم	نوروز	۱۰۳	توضیح درباره عید نوروز و تصویر سفره هفت‌سین.
دوم	با پرستوهای شاد	۱۰۸	شعری درباره فرا رسیدن عید.
دوم	دوازده برادر	۱۰۹	داستانی درباره دوازده ماه سال در ایران.
سوم	میراث فرهنگی	۱۱۲	توضیح درباره میراث فرهنگی.
پنجم	روزی که باران می‌بارید	۹۲	این درس درباره نوروز نیست؛ ولی در آن دو تصویر از سفره هفت‌سین به کار رفته است.

## معرفی مفاخر و شخصیت‌های بزرگ ملی

همانند نمادهای ملی، مفاخر ملی نیز از بین مجموعه‌ای از افراد و انسان‌ها، منعکس‌کننده کارهای بزرگ و خصلت‌های والای انسانی هستند که به وسیله عضویت از اعضای ملت ظهور یافته است. از این جهت، این مفاخر الگویی مورد احترام برای همه اعضای جامعه هستند. این احترام تا حدی است که افراد جامعه، مفاخر ملی را متعلق به خود و حتی فراتر از آن، گاهی بخشی از ذات خود می‌پندارند؛ به گونه‌ای که بی‌حرمتی به آنان را روا نمی‌دارند و در مقابل آن واکنش نشان می‌دهند. به همین سبب مفاخر ملی به محوری برای پیوند دادن مردم جامعه در نقطه‌ای مشترک تبدیل می‌شوند؛ به عنوان مثال فردوسی، سعدی یا حافظ هر یک در مقام مفاخر ملی ایران مورد احترام تک تک ایرانیان می‌باشند. از سوی دیگر شخصیت‌ها و مفاخر ملی هر یک نماد و عصاره فضیلت‌ها و ارزش‌های انسانی به شمار می‌آیند؛ از این جهت یاد و نام آن‌ها موجب افتخار و احساس عظمت و بزرگی می‌شود. پیوند مردم حول محور این شخصیت‌ها و ایجاد احساس افتخار و عظمت مشترک در میان آن‌ها، عاملی است که موجب تقویت و تحکیم همبستگی ملی می‌شود. از این رو در کتب فارسی دوره ابتدایی سعی شده است تا از نام و افتخارات مفاخر و بزرگان جامعه برای ایجاد روح جمعی و احساس مشترک در بین دانش‌آموزان استفاده شود. موارد استفاده از نام و اعتبار مفاخر ملی برای رسیدن به اهداف آموزش و تحقق همبستگی ملی در جدول شماره دو آمده است.



## جدول شماره ۲: معرفی بزرگان و مفاخر ملی در فارسی دوره ابتدایی

پایه	عنوان درس	صفحه	توضیح
اول	خاطرات انقلاب	۱۰۰	توضیح درباره انقلاب با تأکید بر نقش امام خمینی (ره) و شهیدان.
دوم	فردوسی	۱۳۵	معرفی فردوسی شاعر بزرگ ایران.
سوم	فداکاران	۴۸	معرفی محمدحسین فهمیده، ریزعلی خواجه‌سوی، حسن امیدزاده و توضیح داستان فداکاری آنها.
سوم	ای ایران ای وطن من	۱۰۲	معرفی برخی از شاعران، دانشمندان و پهلوانان ایرانی و فداکاری آنها برای وطن.
سوم	خارکن و حاتم طایی	۱۲۷	معرفی سعدی و داستان زندگی او.
چهارم	دوست بزرگ بچه‌ها	۸	معرفی جبار باغچه‌بان و داستان زندگی او.
چهارم	جهان‌پهلوان	۳۲	معرفی غلامرضا تختی و افتخارآفرینی او برای وطن.
چهارم	ابن‌سینا	۷۶	معرفی ابن‌سینا دانشمند و پزشک مشهور ایرانی.
چهارم	آرش کمانگیر	۱۱۸	معرفی آرش کمانگیر و حماسه افتخارآفرین او برای تعیین مرزهای ایران.
چهارم	ناشتوا و بیمار	۱۵۷	معرفی مختصری از مولوی.
پنجم	این گونه باشیم	۴۸	معرفی حسین بهزاد، فارابی، آیت‌الله مرعشی نجفی، دکتر معین، دکتر حسابی، دکتر آذر اندامی و تلاش و اراده خلل‌ناپذیر آنها برای افتخارآفرینی.
پنجم	داستان یک بیمارستان	۷۰	معرفی محمدبن زکریای رازی دانشمند ایرانی.
پنجم	دو ستاره درخشان	۸۱	معرفی خواجه نصیرالدین توسی و خواجه نظام‌الملک دو دانشمند ایرانی.
پنجم	آریوبرزن	۱۲۱	معرفی آریوبرزن سردار لشکر ایران و فداکاری او برای دفاع از کشور.
پنجم	مایه سرافرازی	۱۲۸	شعری درباره فداکاری جانبازان در راه وطن.
پنجم	حافظ	۱۵۶	معرفی حافظ شاعر نامدار ایران.
پنجم	نگارگر	۱۶۱	معرفی استاد محمود فرشچیان نقاش معاصر ایران.

## تأکید بر اهداف ملی و آینده مشترک

داشتن آرمان‌ها و اهداف مشترک برای شکل دادن آینده، از جمله عواملی است که منجر به همبستگی ملی می‌شود. گذشته مشترک ممکن است افراد جامعه‌ای را به هم پیوند



بدهد، اما لزوماً نمی‌تواند باعث تداوم این پیوند شود؛ زیرا ممکن است افراد با وجود وجود گذشته مشترک، آینده‌های متفاوتی را برای خود ترسیم کنند که نتیجه آن کاهش همبستگی است. اما ترسیم آینده مشترک و داشتن آرمان‌ها و اهداف همسان، باعث می‌شود تا افراد جامعه در مسیری واحد قرار گیرند و برای دستیابی به جامعه مطلوب و مدینه فاضله مشترک با هم همکاری کنند. این وضعیت، افراد جامعه را که دارای گذشته مشترک هستند، بیش از پیش به یکدیگر مرتبط می‌سازد و در نهایت منجر به تحکیم همبستگی ملی می‌شود. در دروس مختلف کتب دوره ابتدایی سعی شده است به دانش‌آموزان آموخته شود که برای دستیابی به اهداف مشترک و ساختن آینده کشور باید به همکاری و همبستگی با یکدیگر روی آورند موارد یادشده در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۳: موارد اشاره به آینده مشترک در فارسی دوره ابتدایی

پایه	عنوان درس	صفحه	عبارت و گزاره‌ای که به اهداف و آینده مشترک اشاره دارد
اول	ایران	۴۸	آباد آباد ایران آباد (یادآوری آرزوی هر ایرانی).
دوم	ایران ما	۸۹	آنان (مردم ایران) کشور خود را از حمله دشمنان حفظ می‌کنند (هدف مشترک در دفاع از کشور).
دوم	پرچم	۹۷	ما از میهن خود... دفاع می‌کنیم حتی اگر جان خود را در این راه از دست بدهیم (هدف مشترک در دفاع از کشور).
سوم	فداکاران	۴۸	ما به این انسان‌ها افتخار می‌کنیم. بکوشیم ما نیز یکی از آنها باشیم (دعوت و توصیه برای عمل در جهت اهداف بزرگان).
سوم	ای ایران ای وطن من	۱۰۲	با خدای خود پیمان می‌بندم در راه آباد کردن تو از دل و جان بکوشم ... تا در آینده ایرانی ... آبادتر داشته باشیم (امید و آرزوی مشترک برای ایران آبادتر).
چهارم	ثروت‌های ملی ایران	۱۲۴	... خود را آماده کنید تا سازندگان آینده این سرزمین مقدس و بزرگ باشید (دعوت و توصیه به عمل در جهت هدفی مشترک).
پنجم	این گونه باشیم	۴۸	... آیا ما نیز برای رسیدن به فردایی بهتر و آینده‌ای زیباتر و ایرانی آبادتر راه این بزرگان را خواهیم پیمود؟ (دعوت به تلاش برای رسیدن به ایرانی آبادتر).
پنجم	خدمت به مردم عبادت است	۵۳	آیا آماده‌ایم ما نیز همچون این مردان و زنان در راه سعادت، شادکامی و بهبود زندگی دیگران گام برداریم؟ (دعوت به آماده شدن برای اهداف بزرگ).



... در آینده با گام‌های استوار فرزندان خویش به سوی توسعه، سازندگی و سربلندی به پیش خواهیم رفت (ترسیم آینده مورد انتظار و جامعه مطلوب مورد نظر).	۱۱۶	سرود ملی	پنجم
... چراغ راه همه کسانی که می‌خواهند در آینده این سرزمین نامی ماندگار داشته و انسانی تأثیرگذار باشند (دعوت و توصیه به افتخارآفرینی برای کشور).	۱۶۱	نگارگر	پنجم

### توجه دادن دانش آموزان به اهمیت همبستگی ملی و نتایج مثبت آن

در کنار موضوعات، مفاهیم و تصاویری که در دروس فارسی دوره ابتدایی برای تقویت روحیه جمعی و همبستگی ملی بیان شده است، دروسی نیز طرح شده که اهمیت همبستگی و نتایج مثبت آن را در زندگی جمعی یادآوری می‌کنند. در این دروس با ذکر داستان‌هایی، نتایج سودمند اتحاد ذکر می‌شود.

در بیان آثار مثبت همبستگی، ضرورت همبستگی اجتماعی و زندگی در کنار هم یادآوری شده است؛ مانند درس «چغندر بزرگ»، «از همه زیباتر» و «خانواده». در موارد معدودی نیز با ذکر آثار منفی تکروی و فردگرایی، دانش‌آموزان از گرایش به چنین خصلتی - که آسیبی برای همبستگی است - نهی شده‌اند؛ مانند درس «دو کاج».

مقایسه میزان مباحث مربوط به بیان اهمیت همبستگی با موضوعات دیگر، نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان آموزشی کمتر به طور مستقیم به ذکر آثار همبستگی و تأکید بر اهمیت آن توجه نشان داده‌اند. آن‌ها بیشتر کوشیده‌اند تا مباحث را به گونه‌ای باز نمایند که بدون آنکه نیازی به ذکر اهمیت همبستگی و آثار مثبت آن باشد، انگیزه‌ها و تمایلاتی را در دانش‌آموزان ایجاد کند که خود به خود آن‌ها را به جامعه و دیگران پیوند دهد و منجر به همبستگی ملی شود.

### تأکید بر اعتقادات دینی و ترویج ارزش‌های برگرفته از دین

اعتقادات دینی مشترک ضمن آنکه عنصر مشترک پیونددهنده افراد جامعه است، به دلیل نقشی که در شکل‌گیری هویت جمعی دارد، عامل مؤثری در تحکیم همبستگی ملی محسوب می‌شود. در آموزش‌های دینی، اهداف متعددی تعقیب می‌شود. تحکیم و تثبیت اعتقادات دینی، آموزش احکام دین و زمینه‌سازی برای اجرای آن‌ها، تلاش برای تحقق آرمان‌های برگرفته از دین، ترویج ارزش‌ها و اعتقادات دینی و تلاش برای منطبق ساختن قواعد و قوانین حاکم بر جامعه بر این ارزش‌ها و اعتقادات از جمله این اهداف است.

در آموزش‌های دینی، آموزش اصول و فروع دین از یک سو، و اندیشه و عمل پیامبران و ائمه دین و اخلاق دینی از سوی دیگر، مبنای برنامه‌ریزی آموزشی قرار می‌گیرد. در کتب فارسی دوره ابتدایی نیز با تأکید بر یکی از این موضوعات، سعی شده است تا آموزش‌های دینی ترویج شود. یکی از نتایج مهم آموزش‌های دینی در برنامه آموزشی دوره ابتدایی، تقویت و تحکیم یکپارچگی ملی است.

### آسیب‌شناسی طرح موضوع همبستگی ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی

دروس دوره ابتدایی همگی به منظور تحقق اهداف کلان آموزشی طراحی شده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد به صورت مکمل یکدیگر طرح نشده‌اند و در برخی موارد بین آن‌ها ناهماهنگی وجود دارد. اولین نکته‌ای که از همان ابتدا با نگاه به فهرست کتاب‌ها به چشم می‌خورد، تفکیک دروس حاوی مسائل دینی از درس‌هایی با محتوای مسائل ملی - میهنی است. اگر هویت ایرانی و ایرانیت را ترکیبی از عناصر مختلف دینی و ملی بدانیم، تفکیک کردن این عناصر در قالب دو حوزه جدا، چندان با هدف ایجاد همبستگی سازگاری ندارد. این جداسازی از همان ابتدا به دانش‌آموز القاء می‌کند که مسائل دینی و ملی از یکدیگر جدا و غیرقابل جمع‌اند. اگر این جدایی در ذهن دانش‌آموز نفوذ کند و تثبیت شود، آثار زیانباری به همراه دارد؛ از جمله پیامدهای تفکیک مسائل ملی - میهنی از مسائل دینی - مذهبی، بروز بحران هویت است که آسیبی جدی برای همبستگی ملی به شمار می‌آید (احمدی، ۱۳۸۳: ۸۸). شاید برای ارائه درس‌ها لازم باشد آن‌ها را تقسیم‌بندی کنیم؛ ولی لازم نیست مسائل و موضوعات مربوط به هویت ایرانی زیر عناوین جداگانه تقسیم‌بندی شود؛ زیرا این تفکیک ضمن آنکه جامع و مانع، و مبتنی بر اصول منطقی فصل و جنس نمی‌باشد، به هدف کلان آموزشی که همبستگی ملی است نیز آسیب می‌رساند.

نمونه دیگر از وجود ناهماهنگی در ارائه دروس در جهت اهداف کلان آموزشی، تکرار برخی موضوعات و عناوین در پایه‌های مختلف است. برخی عناوین درس‌ها عیناً تکرار شده است؛ مانند درس از همه مهربان‌تر در پایه دوم (۷۰) و پایه چهارم (۲) که مضمون آن‌ها نیز به یکدیگر شبیه است. برخی عناوین نیز گرچه مختصر تفاوتی با یکدیگر دارند، مانند میهن ما در پایه اول (۱۱۸) و ایران ما در پایه دوم (۸۹)، محتوا و مضمون آن‌ها بسیار به هم شبیه است. تکرار دیگر در درس فداکاران، پایه سوم (۵۰) و درس آریوبرزن، پایه پنجم (۱۲۵) صورت گرفته است. در این دو درس این جمله که



«به کوچه‌ها و خیابان‌ها نگاه کنید نام این افراد را می‌بینید»، با مختصر تفاوتی تکرار شده است. مضامین و نحوه نگارش درس‌های ای ایران ای وطن من در پایه سوم (۱۰۲)، ثروت‌های ملی ایران در پایه چهارم (۱۲۴) و اگر طبیعت زیبای ایران نباشد در پایه پنجم (۱۴۰) نیز بسیار به هم شباهت دارد. ممکن است در مواردی تکرار برخی عناوین و موضوعات برای رسیدن به یک هدف آموزشی لازم باشد؛ اما اگر این تکرار در محتوا و نحوه نگارش ما را از پرداختن به موضوعات مهم دیگر یا از پرداختن به همان موضوع از بُعدی دیگر باز دارد و اگر این تکرار به گونه‌ای باشد که هر بار تکرار، و دوباره فراموش شود، به بی‌اهمیت شدن موضوع منجر می‌شود و ما را از هدف دور می‌سازد. طرح کردن درس‌های مشابه در پایه‌های مختلف چنین اثری دارد. آنچه باعث تکرار موضوعات و مفاهیم مهم با هدف تبدیل شدن آن‌ها به ملکه ذهنی دانش‌آموزان می‌شود، طرح برخی موضوعات ذهنی و انتزاعی است؛ از این رو به راحتی در ذهن دانش‌آموزان جای نمی‌گیرد؛ لذا ما با تکرار می‌کوشیم تا آن را به ملکه ذهنی تبدیل کنیم. اگر در برنامه‌ریزی آموزشی موضوعات را عینی و ملموس برای دانش‌آموزان بازگو کنیم، با یک بار گفتن آن به هدف خود دست می‌یابیم.

عینی کردن موضوعات از یک سو به چگونگی طرح موضوع بستگی دارد که در کتب فارسی دوره ابتدایی تلاش زیادی برای آن صورت گرفته است، اما هنوز کارهای زیادی باید در این زمینه انجام بگیرد؛ از سوی دیگر به چگونگی و روش آموزش بستگی دارد؛ برای مثال اگر ما هر سال از دانش‌آموزان بخواهیم به خیابان‌های اطراف خود نگاه کنند تا قهرمانان زیادی مانند حسین فهمیده و آریوبرزن را بشناسند، این موضوع که قهرمانان زیادی داریم که برای وطن فداکاری کرده‌اند و ما استقلال، آزادی، حاکمیت و امنیت خود را مدیون آن‌ها هستیم، به ملکه ذهنی دانش‌آموز تبدیل نخواهد شد. اما اگر درس‌هایی از این نوع به گونه‌ای طراحی شود که در روند آموزش هر دانش‌آموز، داستان کسانی را که اسمشان بر در و دیوار محل تحصیل یا سکونت اوست، پیگری کنند و برای دیگران بخوانند یا با حضور در خیابان و پای تابلوی اسامی، داستان این افراد را بشنوند، موضوع برای همیشه در ذهن آن‌ها جای می‌گیرد و نیازی به تکرار نمی‌باشد.

ناهماهنگی دیگر، در پرداختن به موضوعات اعتقادی رخ داده است. تمام کتب فارسی دوره ابتدایی با نام خدا آغاز شده و با دعا و نیایش به پایان رسیده‌اند. فقط کتاب فارسی دوم ابتدایی است که با نام خدا آغاز شده، اما برعکس همه کتاب‌ها با نیایش و ستایش خداوند تمام نشده است. مشخص نیست چرا در طراحی کتاب فارسی دوم

ابتدایی، نیایش خداوند در پایان کتاب جای نگرفته است. دلیل آن هرچه باشد، ناهماهنگی در تلاش برای تثبیت مفهومی دینی و مذهبی را در ذهن دانش‌آموزان به تصویر می‌کشد. پرداختن نامنظم به برخی موضوعات نیز حاکی از آن است که درس‌های ارائه‌شده در چارچوب طرح کلان آموزشی مطمح نظر قرار نگرفته‌اند. پرچم نماد موجودیت، استقلال و حاکمیت ملت است. معمولاً برای تقویت حس وطن‌دوستی و ایجاد همبستگی بین افراد ملت از این نماد به وفور استفاده می‌شود. در کتب فارسی دوره ابتدایی در پایه اول نماد پرچم به کار رفته است، در پایه دوم کمتر شده است و در سوم، چهارم و پنجم اصولاً از نماد پرچم استفاده نشده است؛ این در حالی است که در پایه دوم در درس پرچم (۹۷) توضیح کامل درباره آن ایراد شده است. اگر تا قبل از آن، دانش‌آموز بدون آنکه مفهوم پرچم، رنگ‌ها و نشانه‌های آن را بداند به پرچم نگاه می‌کرد، بعد از گذراندن دروس پایه دوم، پرچم برایش معنادار می‌شود. بنابراین لازم است به تناسب، برای تداعی معنای موجود در پرچم از این نماد استفاده شود، در حالی که برعکس از پایه سوم به بعد تصویر آن از درس‌ها حذف شده است. مورد دیگر آن است که در پرداختن به آداب و رسوم و سنت‌ها بیش از همه به نوروز، آن هم فقط در پایه‌های اول و دوم توجه شده است. در پایه‌های سوم به بعد عنایتی به نوروز و آداب و رسوم آن نشده است. با توجه به نقش سنت‌ها و آداب و رسوم ملی در تحقق یکپارچگی و همبستگی ملی، توجه بیشتر به این عنصر ضروری است.

ایران جامعه‌ای است که در آن اقوام مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند و با هم ملت ایران را شکل می‌دهند. جز در چند مورد استثنایی در کتب فارسی دوره ابتدایی، به این موضوع اعتنایی نشده است. این موارد استثنایی، دو مورد در کتاب فارسی پایه اول است که تصویر مردم مناطق مختلف ایران با لباس محلی ترسیم شده است و یک مورد هم در تمرین صفحه ۱۰۶ پایه سوم است که تصویر مردم مناطق مختلف با لباس محلی آمده و از دانش‌آموزان خواسته شده منطقه آن‌ها را مشخص کنند. با توجه به اینکه مردم مناطق مختلف ایران لباس‌ها و سنت‌های محلی متفاوتی دارند، معرفی کردن آن‌ها به دانش‌آموزان در مقام جزئی از ایران و ایرانی ضروری است؛ زیرا آشنا نشدن دانش‌آموزان با آن‌ها باعث می‌شود - با توجه به تفاوت‌های موجود در بین مردم مناطق مختلف - دانش‌آموزان مناطق مختلف در برابر مردم مناطق دیگر احساس غیریت (غیر بودن) داشته باشند؛ اما آشنا کردن دانش‌آموزان با آداب و رسوم اقوام مختلف موجب می‌شود تا از اوان کودکی به تدریج احساس غیر بودن به اقوام مختلف، جای خود را به



احساس یکی بودن و خودی بودن بدهد و زمینه‌های همبستگی بین مردم مناطق مختلف ایران فراهم گردد.

توجه دادن دانش‌آموزان به اهمیت، ارزش و آثار مثبت همبستگی ملی نیز محدود و اندک است. برای رفع این نقصان از یک سو باید با ذکر داستان‌های زیبا و جذابی که در آن‌ها همبستگی و اتحاد با یکدیگر در جهت دستیابی به اهداف بزرگ مورد تأکید قرار دارد، دانش‌آموزان را متوجه اهمیت و ارزش همبستگی و آثار مثبت آن نمود؛ از سوی دیگر باید افتخارات ملی را که با همبستگی ملی به دست آمده در برنامه‌های درسی گنجانند. در بخش عمده‌ای از دروس فارسی، افتخارات و خدمات بزرگان و مفاخر ملی ذکر شده است. این به جای خود ارزشمند، و برای ایجاد افتخار، اعتماد به نفس و همبستگی ملی لازم است؛ اما این موارد همه از نوعی است که افتخارات در نتیجه اقدامات فردی حاصل شده است؛ حتی در بیان حماسه‌ها نیز تأکید بر نقش فرد و اقدامات انفرادی است. لازم است در کنار این موارد - که دانش‌آموز را به تبعیت از راه بزرگان و مفاخر کشور سوق می‌دهد - افتخارات بزرگ ملی نیز که در نتیجه همبستگی و وحدت ملی حاصل شده است، مورد توجه قرار گیرد. جای مواردی از این نوع در کتب فارسی ابتدایی خالی است. جز درس خاطرات انقلاب در صفحه ۱۰۰ پایه اول، در پایه‌های دیگر چنین موردی دیده نمی‌شود. با توجه به ضرورت کار جمعی و همبستگی ملی برای تحقق اهداف بزرگ، سامان دادن درس‌ها به گونه‌ای که در آن‌ها فقط بر افتخارات حاصل از اقدامات فردی تأکید شود و افتخارات حاصل از همکاری و همبستگی ملی در حاشیه قرار گیرد، تا حد زیادی با اهداف کلان آموزشی متناقض و متعارض است؛ زیرا این شیوه اگرچه همبستگی ملی را تقویت می‌کند، یکی از پیامدهایش ترویج و تشویق کار فردی برای دستیابی به افتخارات بزرگ است؛ در حالی که جامعه به مشارکت و کار جمعی برای پیشبرد طرح‌ها و برنامه‌های بزرگ نیاز دارد. با تأکید بر افتخارات ناشی از همبستگی ملی در کنار ذکر افتخارات بزرگان و مفاخر کشور، می‌توان به رفع این ضعف کمک نمود.

یکی دیگر از موضوعات و مباحثی که می‌تواند به همبستگی ملی کمک کند و جای آن در دروس فارسی ابتدایی خالی است، توجه به وجود دشمن مشترک و همبستگی برای دفع تهدیدهای ناشی از آن است. در ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی و ترکیب اجتماعی، یکی از عوامل همبستگی‌ساز توجه به وجود دشمن و خطر مشترکی بوده که ایران و ایرانی را تهدید کرده است. توجه به این عامل که در طول تاریخ وجود



داشته و در اوضاع موجود نیز تداوم یافته، ضروری است؛ اما در کتب فارسی دوره ابتدایی چندان اعتنایی به آن نشده است. فقط در یک مورد (درس معلم فلسطینی در صفحه ۱۱۲ پایه سوم)، آن هم به صورت غیرمستقیم خطر دشمن و ضرورت مقابله با آن یادآوری شده است. با توجه به تاریخ و تهدیدهایی که همچنان بر ضد ایران وجود دارد، می‌توان درسی را طراحی کرد که در آن به وجود دشمن و تهدید مشترک توجه شده باشد. از سوی دیگر با ذکر نمونه‌هایی از تاریخ که در آن ایران از سوی دشمن مورد حمله قرار گرفته، اما با مقاومت یکپارچه ایران روبه‌رو شده و شکست خورده است، می‌توان به آثار مثبت اتحاد در برابر دشمن و تهدیدها اشاره کرد. ذکر داستانی از تاریخ دفاع مقدس، مورد مناسبی برای این بحث است.

### نتیجه‌گیری

پس از بررسی کتب فارسی دوره ابتدایی، در پاسخ به این پرسش که آیا در کتب درسی دوره ابتدایی به همبستگی ملی توجه شده است و اگر توجه شده به چه میزان و با چه درجه‌ای اهمیتی به آن پرداخته شده است؟ باید گفت در بخش چشمگیری از مطالب و دروس به این موضوع پرداخته شده است. از یک سو، در فصلی با عنوان «ملی - میهنی» مباحثی که مستقیماً همبستگی ملی را مورد تأکید قرار داده، مطرح شده است. حدود ۱۴ درصد از عناوین دروس کتب فارسی دوره ابتدایی از این گروه هستند. از طرف دیگر در سایر فصول نیز مطالب درسی به گونه‌ای تبیین شده که در آن‌ها نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم همبستگی ملی مورد توجه قرار گرفته است. با احتساب دروسی که در فصول ملی - میهنی و دروسی که در فصول دیگر آمده‌اند، حدود ۳۰ درصد از عناوین درس‌های کتب فارسی دوره ابتدایی به موضوع همبستگی ملی اختصاص دارد. اگر مباحث دینی - مذهبی را نیز به عنوان مفاهیمی که همبستگی ملی را تقویت می‌کنند در نظر بگیریم، تعداد عناوین دروسی که در آن‌ها به همبستگی ملی توجه شده است، بیشتر از ۳۰ درصد خواهد بود. بیش از ۲۳ درصد از عناوین دروس فارسی دوره ابتدایی به درس‌های مرتبط با مباحث دینی - مذهبی اختصاص یافته است. با اضافه کردن این دروس به دروسی که به موضوع همبستگی ملی پرداخته‌اند، نتیجه می‌گیریم که حدود ۵۲ درصد عناوین دروس فارسی دوره ابتدایی، از جمله درس‌هایی است که در آن‌ها مستقیم و غیرمستقیم همبستگی ملی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. توجه فراوان به مباحث همبستگی ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی، پاسخ این



سؤال را که در طراحی دروس این دوره چقدر به تقویت همبستگی ملی اهمیت داده‌اند؟ مشخص می‌سازد. میزان و چگونگی پرداختن به موضوع همبستگی ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی حاکی از اهمیت فراوان این موضوع در نظر برنامه‌ریزان آموزشی و طراحان کتب درسی این دوره است. از این رو، حجم زیادی از دروس (حدود ۵۲ درصد عناوین) به این موضوع اختصاص یافته و مجموعه درس‌ها به گونه‌ای طراحی شده است که همبستگی و اتحاد ملی را تقویت و تحکیم نماید. بنابر این، همبستگی ملی فقط موضوعی در کنار دیگر موضوعات مطرح نشده، بلکه در مقام هدف کلان آموزشی، مبنایی برای طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی قرار گرفته است.

در پاسخ به این پرسش که برنامه‌ریزان آموزشی و تدوین‌کنندگان کتب درسی دوره ابتدایی برای پیگیری هدف همبستگی ملی در برنامه‌های درسی از چه متغیرها و مؤلفه‌هایی استفاده کرده‌اند؟ مطالعه کتب فارسی دوره ابتدایی مبین آن است که در برنامه‌های درسی این دوره، با تأکید بر مجموعه‌ای از متغیرها و عوامل مختلف، سعی شده است تا اعمال، احساسات، غرور، دل‌بستگی‌ها و اعتقادات دانش‌آموزان همگی به موازات هم و توأمان در مسیری هدایت شوند که نتیجه آن تقویت روح جمعی ملی و به تبع آن تحقق و تحکیم همبستگی ملی باشد.

با توجه به نیاز تاریخی و همیشگی ایران به همبستگی ملی، اختصاص حجم وسیعی از دروس به این موضوع و تلاش برای تحقق آن، نقطه قوت برنامه آموزشی و درسی دوره ابتدایی است. با این همه، با نگاهی آسیب‌شناسانه در می‌یابیم که در برنامه مذکور ضعف‌هایی نیز وجود دارد که مانع دستیابی به اهداف آموزشی است. این ضعف‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. در مواردی، مباحث به صورت مکمل یکدیگر و هماهنگ با هم در چارچوب طرحی کلان بیان نشده‌اند.
۲. در برخی موارد، نظم لازم در ارائه مباحث در نظر گرفته نشده و موضوعات بدون در نظر گرفتن ترتیب مناسب ذکر شده‌اند.
۳. بعضی تقسیم‌بندی‌ها نامناسب است، اصول منطقی در آن رعایت نشده و جامع و مانع نیست؛ لذا به تفکیک نامناسب برخی از موضوعات از یکدیگر منجر شده است؛ مانند تفکیک مباحث ملی - میهنی از مباحث دینی - مذهبی.
۴. تکرار نامناسب و بی‌مورد برخی موضوعات.



۵. پرداختن یا کم پرداختن به برخی مباحث مهم؛ مانند آثار مثبت همبستگی و وجود تهدیدهای مشترک.
  ۶. تأکید بر افتخارات عمدتاً فردی و عدم توجه به افتخاراتی که با همکاری جمعی و مشارکت ملی حاصل شده است.
- با توجه به این ضعفها، تجدیدنظر در کتب درسی دوره ابتدایی، بازنگری در مباحث و چگونگی ارائه آنها، برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر این دوره برای تقویت و تحکیم همبستگی ملی، ضروری به نظر می‌رسد.



## منابع

- آذری، اعظم، و دیگران (۱۳۸۵): *فارسی سوم دبستان*؛ تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۵): *مبانی سیاست*؛ ج ۱، چ ۳، تهران: توس.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸): *قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت*؛ تهران: نشر نی.
- ----- (۱۳۸۳): *دین و ملیت در ایران: همبازی یا کشمکش؟ ایران: هویت، ملیت، قومیت*؛ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ارجمند رشیدآبادی، زهرا، و دیگران (۱۳۸۵): *فارسی چهارم دبستان*؛ تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- ----- (۱۳۸۵): *فارسی دوم دبستان*؛ تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- جبلی آده، پریچهر، و دیگران (۱۳۸۵): *فارسی پنجم دبستان*؛ تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- حاجیان، فردوس، و دیگران (۱۳۸۵): *فارسی اول دبستان*؛ تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸): *تاریخ روابط سیاسی ایران با قدرت‌های بزرگ*؛ ج ۲، تهران: پازنگ.
- رنی، آستین (۱۳۷۴): *حکومت (آشنایی با علم سیاست)*؛ ترجمه لیلا سازگار؛ تهران: مرکز نشر جهاد دانشگاهی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۳): *نظریه‌های جامعه‌شناسی*؛ ترجمه احمدرضا غروی‌زاده؛ تهران: آگاه.
- صافی، احمد (۱۳۷۹): *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه*؛ تهران: سمت.
- گلشن فومنی، محمدرسول (۱۳۸۲): *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*؛ ج ۳، تهران: آگاه.
- گیبرنا، مونترات (۱۳۷۸): *مکاتب ناسیونالیسم: ناسیونالیسم و دولت - ملت در قرن بیستم*؛ ترجمه امیرمسعود اجتهادی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۷): *طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی*؛ تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- Anderson, Benedict (1991); *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*, Revised Edition ed, London and NewYork: Verso.
- Durkheim, Emile (1956); *Education and Sociology*, NewYork: Free Press.
- Gellner, Ernest (1983); *Nations and Nationalism*, Ithace: Cornell University Press.
- Graff, H. J. (1987); *The Legacies of Literacy*, Bloomington-Indiana: Indian University Press.
- Greenfeld, Liah ( 1992); *Nationalism: Five Roads to Modernity*, Cambridge and London: Harvard University Press.
- Kohn, Hans (1944); *The Idea of Nationalism: A Study of its Origins and Background*, 1<sup>st</sup>. ed., NewYork: The Macmillan Company.
- Parsons, Talcott (1970); *Social Structure and Personality*, NewYork: Free Press.
- Parsons, Talcott, And Shils, J. Edward. (1951); *Toward a General Theory of Action*, NewYork: Harper And Row.
- Smith, Anthony D. (1998); *The Ethnic Origins of Nations*, Oxford: Blackwell Publishers.